

سرمقاله

بایدهای سال آینده

محمد رضا هویدا

یکی سال خورشیدی رو به پایان است. اندک روزهایی باقی مانده اند. مردم به فکر تجلیل از سال نو خورشیدی و برگزاری جشن نوروز هستند. در حالی که بسیاری نیز به فکر غم و درد و رنجی هستند که از فقر و بیکاری و مصیبت های ناشی از رهگیری و راهزنی و ناامنی رنج می برند.

ساله که در حال سپری شدن است، سالی سختی برای مردم افغانستان بود و هر چه گذشت و به پایان خود نزدیک شد سخت تر شد. بسیاری از آنچه فکر می شد، نشد و برنامه هایی که فکر می شد بر عکس شد و سالی بود پر از جنجال.

انتخابات مهمترین حادثه این سال بود که ماه ها وقت مردم را گرفت. انتخابات آتقدار پر چالش و پر جنجال بود که تا هنوز هم ادامه دارد و حکومت در نبود کابینه با اعضای مکملش به سر می برد و حکومت سرپرست ها همچنان دوام دارد.

حکومت نتوانسته است پس از ماهها اعضای خود را تکمیل کند. در هر انتخاباتی، انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان و نهادهای برگزاری انتخابات ارکان یک انتخابات را تشکیل می دهند.

مردم افغانستان، به عنوان انتخاب کنندگان در این انتخابات خوب درخشیدند، نه از ناامنی هراسیدند و نه از تهدیدها و ارعاب طالبان.

انگشت ها و دست های شان را برای رسیدن به حق شان دادند. اما انتخاب شوندگان نتوانستند این امانت مردم را به خوبی پاسداری کنند.

انتخاب شوندگان برای ماه ها است که به آنچه گفته بودند کمتر توجه دارند و آنچه می کنند با گفته ها و وعده هایشان به اندازه زیادی، سنگین ندارد. نهادهای برگزاری انتخابات نیز تجربه موقتی در این انتخابات نداشتند. ضعف نهادهای انتخاباتی به اندازه ای بود که افغانستان در پرتگاه سقوط به کشمکش های داخلی قرار گرفته بود و فشارهای داخلی و خارجی اگر نبود، امید برون رفت از آن کمتر دیده می شد. تشکیل حکومت وحدت ملی نیز در ضعف های و کاستی های نهادهای انتخاباتی ریشه دارد.

حکومت وحدت ملی نیز مهمترین دستاورد این سال است. حکومت وحدت ملی، نیز همانند بسیاری از مفاهیم و امور دیگر در کشور، به طور کامل تعریف نشده باقی مانده است و ابهام های زیادی زمینه کار را از این حکومت گرفته است. حکومت وحدت ملی نتوانسته کابینه اش را تکمیل کند. ناتکمیل ماندن کابینه، حکومت وحدت ملی را در وضعیتی قرار داده است که از انتظارات مردم چیزی جز وعده تحقق نیافته است. حکومت وحدت ملی درگیر در مسایل درونی خود است. توان بازسازی حکومت وحدت ملی کم است. این معضل برای حکومت وحدت ملی بسیار گران تمام شده است. عدم توان بازسازی سبب شده که حکومت برای ماه ها نتواند به مسایل اساسی حکومت داری بپردازد. انتخابات و حکومت وحدت ملی را اگر در کنار هم قرار بدهیم، لزوم بررسی و بازبینی هر دو موضوع در سال آینده به چشم می خورد. هم انتخابات باید بازبینی شود و مشکلات آن حل شود و هم حکومت وحدت ملی باید به تقص ها و ضعف های خود متوجه شود و برای سال آینده آنها را اصلاح نماید.

در سال آینده، که تا چند روز دیگر وارد آن می شویم، قرار است انتخابات پارلمانی برگزار شود.

در صورتی که نهادهای انتخاباتی اصلاح نشوند و مهتر از همه اعتماد مردم و جامعه جهانی به این نهادها باز نگردد، برگزاری هر نوع انتخاباتی خالی از نقص و عیب نخواهد بود و به تبع آن جنجال ها و مشکلاتی که مشابه آن را در انتخابات ریاست جمهوری داشته ایم، مطمئنا بروز خواهد کرد.

از اصلاح نهادهای انتخاباتی باید در اولویت دولت افغانستان باشد تا اعتماد از دست رفته بر نهادهای انتخاباتی به آنها باز گردد و مردم با اعتماد بیشتر به این نهادها، انتخابات را تنها راه تعیین سرنوشت خود بدانند.

حکومت وحدت ملی نیز باید به بازسازی درونی خود بیشتر تکیه کند. بازبینی و باز سازی درونی حکومت وحدت ملی، تنها راهی است که این حکومت را قادر می سازد به پیش برود. حکومت می بایست قدرت ترمیم خود از درون و قوی تر شدن خود را داشته باشد.

هم زمان با نشر گزارش وضعیت عمومی جامعه بخصوص وضعیت زنان در کشور به مناسبت های مختلف ازجمله روز جهانی همبستگی زنان جهان ، امسال نیز گزارشی از وضعیت نامطلوب زنان و خشونت های که بر آنان اعمال می گردد یا فشارها و ستم هایی که بر آنان روا داشته می شود نشان از ظهور یک پدیده خطرناک و متاثر کننده آشکار گردید و آن پدیده خودکشی یا خودسوزی است. طی سال های اخیر، به ویژه در سال روان که روزهای آخرین خود را طی می کند پدیده خودکشی و خودسوزی در مناطق ناهنجاری شدیداً تکان دهنده اجتماعی در جامعه ما خود نمایی می کند. در این ارتباط گزارش های متعددی در سطوح مختلف و طبقات گوناگون جامعه از طریق رسانه ها به نشر رسیده است. بارها در گزارش ها آمده است که پدیری یا فردی به دلیل فقر و تنگ دستی خود را حلق آویز نموده است! یا خانمی به دلیل ناسازگاری و فشار شدید از سوی خانواده خود یا شوهر از طرق مختلف دست به خودکشی زده است! یا جوانی به دلیل ناکامی در امتحان کانکور یا ناکامی درازدواج دست به خودکشی زده است. و....

همانطور که گفته شد طی سال های اخیر علاوه بر بروز پدیده های جدید اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، پدیده خودکشی و خودسوزی در کشور به شکل تکان دهنده ی رواج یافته و در حال افزایش است اما مناطقی که این پدیده آن را تحت پوشش قرار داده و یا دربرمی گیرد متفاوت است. البته نکته مهم دیگر درباره شیوع پدیده خودکشی در مناطق مختلف کشور موضوع دسترسی رسانه ها به خبرها و معلومات مربوط به پدیده یاد شده می باشد. اما روی هرفته شهرهای بزرگی چون کابل، هرات، مزارشریف و دیگر شهرهای شمالی و قندهار و جلال آباد می باشد. آنچه در این میان قابل توجه می باشد اینست که میزان خودکشی یا خودسوزی زنان در کشور به مراتب بیش از مردان می باشد. دیدگاهها درباره این پدیده اجتماعی یا آفت اجتماعی متفاوت است. باورها و تحلیل ها درباره خودکشی متفاوت

و گوناگون اند، چه بسا که در هر دیدگاهی بخشی از علل و انگیزه خودکشی یا خودسوزی باشد. هر چند از دیدگاه دینی و مذهبی عمل خودکشی یک اقدام گناه بار دانسته شده و به شدت نسبت به آن موضع گیری صورت گرفته است؛ بطوری که کسانیی دست به این عمل تکان دهنده می زنند وعده عذاب و هدر رفتن خون شان ذکر شده است؛ در آخرین تحلیل و ارزیابی در مورد کسانیی که دست به خودکشی می زنند چنین داوری می گردد که آنان جامعه شان را از دست داده و توکل شان بخداوند سست گردیده است. اما در زبان علم طبی و روانشناسی و جامعه شناختی موضوع ظهور خود کشی در جامعه بعنوان یک آفت اجتماعی و فرهنگی و در افراد بعنوان یک بیماری قلمداد شده است. بیماری که از آن بعنوان اختلال عاطفی و روانی یاد شده و ریشه های مختلفی هم چون بحران های ارتباط فردی، شکست در زندگی و خود کم ارزشی، تعارض ها و کشمکش های لاینحل درونی، در آن دست دادن امید و معنای زنده بودن، را در آن می توان جستجو کرد.

هم چنین دانشمندان و پژوهشگران علوم مختلف درباره سابر عوامل و انگیزه های خودکشی موارد زیر را یاد می کنند: خشم و تنفر شدید از دیگران و حتا در مواردی از خود، احساس ناتوانی و درماندگی (انتقام از خود)، واکنش نسبت به از دست دادن عاطفی و روابط سرد خاتواده اعم از والدین یا همسر و فرزندان، مشکلات و نوسان های متناوب اخلاقی و شغلی یا تحصیلی، فقر و مشکلات جدی و شدید اقتصادی، احساس غیرمقید بودن، و....

بر بنیاد تحقیقات و مطالعاتی که از سوی مراکز تحقیقی و مطالعاتی صورت گرفته است وقوع پدیده خود کشی در جوامع جنگ زده و یا در حال گذار به مراتب گسترده تر و شدیدتر از سایر جوامع می باشد. در این جوامع افزون بر اینکه ممکن است که علل و زمینه های یاد شده این موضوع را تحریک نماید، گسست فرهنگی و اجتماعی و نوعی خلاء روانی

پدیده خودکشی، واکنشی از سر در ماندگی

عبدالله هروی



بنابراین جامعه و دستگاه های مسئول نسبت به سرنوشت جامعه بایستی بایستی تلاش ورزند که برای مقابله با پیش گیری از وقوع رویدادهای تکان دهنده خود کشی و خود سوزی، بطور همه جانبه و کارشناسی شده برخورد نموده و طرح ها و راه حل های مطابق با واقعیت ارائه دهند. سعی گردد بجای توسل به شیوه های صرفاً موقتی هم چون ایجاد پناهگاه های خانوادگی (خانه امن) یا حمایت های کوتاه مدت، به راه حل های بنیادین و اساسی توجه شود. هرچند که جامعه ما امروز با چالش های متعددی روبرو است، اما نباید فراموش کرد که غفلت از این مسئله نیز می تواند پیامدهای بسیار ناگواری را برجامعه برجای گذارد. شیوع پدیده نامطلوب خودکشی در واقع نسل جوان جامعه که نیروی مفید و امیدفردای کشور دانسته می شود موردهدف قرار داده است. بنابراین متولیان اموربرای صیانت از نسل امروز و بهبودبخشیدن به وضعیت نسل فردا درموازی و همسوسا با سایر اقدام های سازنده دراین باره نیز باید توجه جدی و دلسوزانه نشان دهند.

می ورزند از طریق آسیب زدن بخود، درپی جبران فشار وارده و یا گریز از وضعیت غیرقابل تحمل موجود برآیند. متأسفانه در جامعه مردسالار و خشونت گرای افغانستان زمینه بروز پدیده خودکشی و خودسوزی بسیار وجود دارد. بخصوص این که در شرایط کنونی زنان نسبت به حقوق خویش آگاهی نسبی یافته و بروضعت تحمیل شده و غیرانسانی بر خود ناراض و معترض می باشند. از آنجایی که نگاه ها و باورها و رفتارهای جامعه در عینیت و فراتر از ادعا ارزشی برای حقوق و شخصیت زنان قابل نمی باشد، از جانب دیگر تمامی فضاها و زمینه های دیگر که زنان بتوانند موجودیت و بودن خود را به اثبات برسانند تا حداقل بخشی از فشارهای وارده را کاهش بخشدند وجود ندارد. بنابراین خودکشی و خودسوزی تنها گزینه ای است که در اختیار آنان قرار گرفته است. حتا این موضوع را هم نمی توان نسبت به نوجوانان و جوانان پسر نیز سربایت داد. زیرا آنان نیز هرچند کمتر، بازهم در نهایت در شرایط مشابه به آنچه که زنان قراردارند، بسرمی برند.

و ارزشی و عدم تطابق یا عدم توانایی در تحمل مشکلات دوران گذار، سبب گسترش و شدت خودکشی و خودسوزی خواهد گردید. هم چنین بطور طبیعی وقوع پدیده خودکشی یا خود سوزی در میان زنان ممکن است بیش از جامعه مردان باشد. زیرا اولاً زنان از بسیاری جهات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آسیب پذیرتر هستند و در صورت بروز بحران و آسیب های اجتماعی آنان زودتر و پیش از دیگران در معرض خطر و آسیب قرار می گیرند؛ دیگر این که درجه عواطف و احساسات بنابه دلایل خاص خود در زنان بیش از مردان می باشد. هم چنین این نکته را نیز باید افزود که مردان برای تخلیه فشارهای روحی و روانی یا فراموشی جریان ناکامی ها و سختی دایره وسیعی از فضا را در دسترس خود دارند؛ حال آنکه زنان چنین نیستند. زنان به درجات متفاوت، اما با این وجه مشترک که زمینه فضا برای تخلیه فشار های روحی و روانی و یا فراموشی مصایب و سختی ها بسیار در محدودیت قرار دارند. بنابراین در بسیاری موارد سبب می گردد که آنان سعی

افغانستان در جمهوری خواهی

محمد عرفانی

قسمت اول

اسلامی به دست تعدادی از افراد ضعیف و ناتوان به نامهای مختلفی چون شاه، امیر، سلطان و غیره تعیین میگردد، هیچگونه امیدبیرای رشد و ترقی این کشورها وجود نخواهد داشت. بدین ترتیب، فریادهای بیدارگر مشرقزمین، زنگ بیداری اسلامی در مشرق زمین نواخته گردید و پیام آن دل هزاران وجدانبیدار و دردمند را شایفته خود نموده و آنان را در مسیر مبارزه با استبداد رهنمون گردید. پیشینه جمهوریت در افغانستان جرقه بیداری اسلامی و فرایند جمهوریرخوایی در افغانستان برای اولین بار در کاخسلطنتی شیر علیخان توسط شخص سید جمال روشن گردید و اصلاحات جزئی نیز در آن صورت گرفت، اما واقعیت این بود که قلب پادشاهان مستبد و خود کامة افغانستان، سپاهتر از آن بود که نفس مسیحایی سید جمال الدین در آن اثر نموده و تحول بنیادی در آن صورت بگیرد. از اینرو به دنبال تلاشهای فراوان، پیامآور ترقی و سعادت، افغانستان را با اندوهو تأسف ترک نموده و در دیگر سرزمینهای اسلامی مشغول انجام وظایف دینی و اسلامبخود گردید. اما این فرایند همانند سایر کشورهای اسلامی در افغانستان نیز آغاز شده و بذر جمهوریرخوایی در دل وجدانهای مانع از جوانه زده بود. از اینرو هرچند که این فرایند در مراحلآغازین خود با دشواریهای فراوانی روبرو گردید، اما در طولانیمدت اثرات خود را بهدرستی برجای گذاشت و در دوران حبیب الله و اسمان الله خان بار دیگر در قالب جنبشعشروپتیخواهی ظهور نمود. جنبش مشروطیت نقطه عطفی مهمی در تاریخ سیاسی کشور است و عناصر مهمی از جمهوریرخوایی را در چارچوب قانون اساسی به همراه آورد. عمدهترین مؤلفهها و عناصر جمهوریت را میتوان در موارد زیر برشمرد.

که پادشاهان و حاکمان مطلق العنانی مانند لوی چهاردهم بر اروپا حاکمیت داشت اندیشه جمهوریرخوایی و حاکمیت مردم بر سرنوشتشان همانند انفجاربود که خواب پادشاهان را آشفته کرد. از اینرو آنان تلاش زیادی نمودند که این حرکت را سرکوب نموده و گسترش آن را در وی مرزها جلوگیری نمایند. اما واقعیت این بود که پدیده جمهوریرخوایی که در بستر پروروزاری رشد نموده و گسترش مییافت، توانمندتر از آن بود که پادشاهان اروپایی بتواند جل آن را سد نموده از رشد و بالندگی آن بکاهد. از اینرو پدیده جمهوریرخوایی به عنوان نظام سیاسی که در آن مردم نه به عنوان رعایایمغفصل و اطاعتپذیر، بلکه به عنوان شهروندان فعال و تعیینکننده در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگیشان، که تنها در اروپا گسترش یافت و کهنای سلطنتی پادشاهان را به لرزه درآورد، بلکه به عنوان یک جهانی مقبولیت عمومی یافت و پایههای رژیماستبدادی و سلطنتی را در سطح جهان به لرزه در آورد.

که در نهایت به نفیاستبداد معطوف شده است؛ چرا که ساماندهی سازمان سیاسی، آگاهی و تربیت شهروندان آزاد، رفتهرفته قدرت سیاسی را عقید و اصول و قوانین مشخص مینماید که میبایست خط مشی و سیاستهای خود را در چارچوب خواست و اراده عمومی تنظیم نماید. از این منظر، جمهوریت به یک فرایند مبدل میشود که در سیر تاریخی خود، تحولات جدی داشته است. در تعریف جمهوروی سه عنصر را باید مدنظر داشته باشیم«مشارکت عامه مردم، رضایت اکثریت مردم، و رقابت عموم مردم در کسب قدرت»، اما از اینها مسا و تناقضهایی موجود در معنا و مفهوم جمهوروی چه در نظر و چه در عمل) گذریم، به مشترکات و علایمیرسیم که اکثر اندیشمندان بر آن توافق دارند. واژه جمهوروی Republic در اساس از Respublica لاتین گرفته شده (در مقابل: Resprivata قلمرو خصوصی» و به قلمرو عمومی اشاره دارد.

در این نوشته تلاش شده است به فرآخورد ظرفیت مقاله و توان نویسنده این مساله مورد بررسی قرار گیرد و گوشه هایی از فرایند جمهوروی خواهی در کشورمان تشریح خواهد شد.

مقدمه جمهوری به عنوان نوعی از شیوه حکومتی، از دیر باز با اقبال و ادبار اقشار مختلف از فیلسوفان گرفته تا سیاستمداران و در مواردی حتی شاهان و سلاطین روبرو بوده است. مهم ترین و اساسیترین مسألهای که در این ارتباط مطرح بوده و عمدهترین عامل اینادبارها و اقبالها به حساب میآید، تفسیر و تعبیری است که هر دسته و هر کرسی از جمهوری که گاه این تعبیر و تفسیرها باعث تضاد عنوان و معنا شده حکومت ضد جمهوروی تحتعنوان آن پنهان گردد. با این حال در تاریخ بسیاری از کشورها حکومت جمهوری با سابقهکمو بیش متفاوت یکی از آرزوهای مردم و به خصوص روشنفکران آن بوده است. به همیندلیل هر کشوری مبارزاتی در راه تحقق این آرزو انجام گرفته و گاهی مبارزین این

۱.قانون اساسی قانون اساسی سند قرارداد میان مردم و حکومت است که حکومتکنندگان را مقید مینماید تا فعالیتهایشان را براساس موازین قانونی انجام داده و حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی آنان را رعایت نمایند. بنابراین قانون اساسی به نماه برجستهای از نقش و ارادهمردم در تعیین سرنوشتشان و مقید شدن مقامات حکومت به موازین قانونی است.

در این شرایط و اوضاع و احوال بود که سید جمال الدین به عنوان اولین بیدادگر مشرق زمین و کشورهای اسلامی، با تکیه بر اقتدار و معنویت اسلام و ارزشهای اسلامی، پرچمبیدارگری را بر دوش گرفت و استبداد و استعمار را به عنوان دو نیروی بازدارنده تکامل و پویایی اسلامی نشانه گرفت. وی در طول زندگی پرافتخار و مبارزاتییشان استبداد را بهمنوان عامل اصلی انحطاط مسلمین معرفی نمود و همواره بر این امر تأکید نموده که تنها راه استبداد و مشارکت مردم در صحنههای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است. بنابراین تا زمانیکه سرنوشت کشورهای

توجه به «مردم» است؛ مردمی که در یک اتفاق و تجمع با انگیزه و با دلایل مختلف، گرد هم میآیند، و ترکیبی است از «مردم» و «حکومت کردن» و به این ترتیب جمهوروی یعنی حکومت به وسیله مردم، جمهوروی، یعنیفردت شهروندان کشور برای مشارکت آزادانه در تصمیمهای سیاسی جمهوروی در مقامفلسفه سیاسی، مردم را در تشنیت امور خود و نظارت بر حکومت، ذی حق و توانا میدانند و حاکمیت و دولت را برخواسته از اراده عمومی میشمارد.

در لغت فارسی کلمه «جمهور» که مصدر جعلی آن، جمهوریت میباشد به معنای همه مردم، گروه، جماعت کثیر، توده بزرگ ریگ و هر چیزی متراکم آمده است. ۲. فرهنگ معین در این مورد میگوید: جمهور Jomhur توده، گروه، بخش اعظم یک چیز، حکومتی که زمام آن به دست نمایندگان ملت باشد. ۳. بنابراین در ادبیات فارسی، مراد از واژه نوع نظام سیاسی و طرز حکومتیاست که اداره کشور به جای پادشاه و اقتدار موروثی آن برای مدت معین به دست نمایندگان مردم سپرده شود.



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفهاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

روزنامه افغانستان
The Daily Afghanistan
مدیرمسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷